

فلسفه و اهداف حج

قسمت دوم

چنانچه در شماره گذشته تذکر دادیم: آنچه حج را بصورت یک عمل عظیم عبادی سیاسی درآورده است، فلسفه و اهداف بسیار مهمی است که شارع مقدس در آن منظور داشته است.

و از آنجا که ما این بحث را از آغاز با هدایت از آیات شریفه قرآن کریم شروع نمودیم، در این مرحله نیز با استفاده از آیات به بررسی این بحث می‌پردازیم تا فلسفه و اهداف مهم حج را در سیمای قرآن شاهد باشیم.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يَرِدْ فِيهِ بِالْجِدِّ بظلم نذقه من عذاب اليم واذبوانا لأبراهيم مكان البيت أن لا تشرك بي شيئاً وطهريتي للطائفين والفائمين والرتجع السجود، وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالاً وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق ليشهدوا منافع لهم ويذكروا اسم الله في إقام معلومات على ما رزقهم من بسملة الأتعام فكلوا منها وأطعموا البائس الفقير، ثم ليقضوا نفسهم وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق، ذلك ومن يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه واحلت لكم الأتعام إلا مايتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور. آنانکه کفر میورزند و مردم را نمیگذارند در راه خدا وارد شده و بسوی خدا حرکت کنند و مانع میشوند از اینکه مسلمانان از مسجدالحرام که بطور یکسان و برابر حق بهره‌برداری از آن را دارند و هیچکس در ارتباط با مسجدالحرام ترجیحی بردیگری ندارد استفاده کرده و از منافع آن سلب نبرند و هرکسی که بخواهد در آنجا مروج الحاد گردیده و به بندگان خدا ظلم کند همه آنان را به کیفر کفر و ستمشان رساننده و به عذاب دردناک مبتلا خواهیم ساخت و شما متذکر باشید وقتی که امکانات زیادی در اختیار ابراهیم گذاشتیم و جایگاه خانه کعبه را معین نموده و شرائط بوجود آمدن چنین موقعیتی را فراهم ساختیم و ایشان خانه را آماده کردند دستور دادیم این اهداف را لباس عمل بپوشاند، کسی را شریک من اقرار ندهد و خانه را برای نمازگزاران و قیام کنندگان و ساجدان پاک و آماده سازد و سپس از همه جهانیان دعوت بعمل آورد و از آنان بخواهد هر کس که میتواند به حج بیاید بیاید از هر راه دور و نزدیک بگرد این خانه جمع شوند و آنجا را محل اجتماع و مرکز حرکت و توحید قرار دهند و در سایه این اجتماع عظیم اسلامی از

منافع دنیوی و اخروی آنجا بهره گیرند و در آن ایام معین و مشخص در یاد خدا باشند و از آن جهت که خدای عالم آنان را از نعمتهای فراوانی متمتع ساخته و از گوشت حیوانات حلال گوشت بهره‌مندشان ساخته است سپاسگزاری نمایند. پس ای طالبان راه خدا و ای سالکان طریق الی الله از آن نعمتهای الهی سود ببرید و تناول فرمائید و فقیران بیچاره را از آن امکانات و مواد غذایی بی‌نیازشان کرده و گرسنگان را اطعام نمائید علاوه بر این کارهای اجتماعی، باعمال فردی عبادی خودشان ادامه داده و بقیه اعمال مناسک را پایان برسانند و اگر نذری و عهدی کرده باشند طبق آن عمل نمایند و بطواف خانه خدا که همان بیت عتیق است بپردازند.

آری اینها عمده احکام حج است و بسیار مهم و ارزشمند است و از مسائلی است که خدای جهان آنها را محترم شمرده و بزرگ دانسته است و هرکس حرمت و احکام مورد احترام الهی را محترم و بزرگ شمارد به صلاح او بوده و باعث علو درجات او در پیشگاه خداوندی است و برای شما از چهار پایان غیر از آنها که قبلاً گفته شده است مابقی حلال است و از پلیدیها و آلودگیها اجتناب کنید و همین طور از سخنان باطل و ناحق دوری گزینید و از باطل بگریزید و روبرق آورید و خالص بدون هیچ شائبه‌ای و شرکی خدا را بپرستید و آگاه باشید هرکس بخدا شرک آورد و برخلاف مسیر فطرت و تعالی بشری حرکت کند طوری سقوط میکند مانند این است که از آسمان سرنگون گردیده و دور شده و مرغان و پرندگان آسمان در فضای بیکران الهی بدین او را در میان زمین و آسمان با توک متقارشان قطعه قطعه نمایند و یا مانند کسی است که در اثر وزیدن باد تند و سختی بدون اینکه کوچکترین ابزار نجات و خلاصی داشته باشد و دستش بجائی بند گردد به مکانی دور پرت شده باشد بله معیار این است و این مطلب بعنوان یک اصل مطرح است هرکس شعائر الهی را بزرگ و محترم شمارد دلیل بر صداقت و ایمان است و این حالت نشانه دلهای با تقوی است و در این شعائر الهی و بزرگداشتن آنها منافع فراوانی برای شماها وجود دارد و ارزش آنها را بدانید. و احتمال می‌رود مراد از مرجع ضمیر شعائر الهی نباشد همین حیوانات و چهار پایان باشد و در این صورت معنی چنین خواهد شد. در این حیوانات و چهار پایان



منافع فراوانی برای شما هست و شما تا مدت محدودی می‌توانید از این‌ها بهره‌مند گردید و سپس محلّ و زمان هَدئی و قربانی و دیگر مناسک حجّ خانه خدا کعبه است. و ما برای هراقت و گروهی مناسک و شرایع مخصوص قرار دادیم تا بیاد خدا بیافتند و به شکر نعمت حق پردازند و در مقابل نعمتهای بزرگ خداوندی که آنان را با آن نعمتها منتعم ساخته است سپاسگزاری کنند پس بدانید آن خدائی که شما او را میپرستید خدائی است یگانه و با تمام وجود در مقابل او تسلیم باشید و بکسانی که متواضعانه و خاشعانه در مقابل اراده و فرمان حضرت دوست تسلیم شده و سرتسلیم فرود میاورند مژده و بشارت باد.

اینها نمونه‌ای از آیات خدا است که بوضوح میتوان از آنها اهداف عالیّه حجّ را بدست آورد و بفلسفه آنها دست یافت در این آیات علاوه بر اینکه روی خلوص و بی‌شائبه بودن و توحید ناب و خالص تکیه شده است و این خلوص بعنوان روح و جان حاکم و مدبّر در تمام مراسم و مناسک حجّ دیده شده است بمسائل زیاد دیگری نیز پرداخته شده است از جمله «لپشهدوا منافع لهم» از همه اطراف و اکناف عالم باید گرد آیند و دور این محور-بیت عتیق- جمع شوند و منافع فراوان مادی و معنوی را که برای آنان است و در متن و ذات چنین مراسمی خوابیده است بالعیان بیابند و مشاهده نمایند و از جمله «قیاماً للنّاس» اینکه شرائط برای قیام و حرکت همگانی انسانها آماده شده و بسیج عمومی آغاز گردد و انسانها در این اقبانوس موج بجوشند و بخروشند و تا لقاء خدا و حاکمیت اراده الله به تکاپوی رهائی بخششان اداعه دهند و از جمله وحدتی حقیقی، در سایه ایمان بخدا و روز آخرت و رهبری راستین ابراهیم‌ها و اسمعیل‌ها از همه انسانها با زبانهای مختلف و فرهنگهای گوناگون، بوجود آید و زمینه تحقق امت واحده اسلامی فراهم گردد.

و از جمله در سایه همین وحدت و بسیج عمومی از امکانات خدادادی بهره‌برداری بعمل آمده و از این نعمتهای بزرگ خداوندی خوب استفاده شده و ریشه‌های فقر و نیازها را بخشکانند، و از جمله مردم عادت کنند که دارای فرهنگی عالی و ارزشی باشند و شعایر الهی را بزرگ شمارند و از حدود الهی تعدی و تجاوز ننمایند و بادید

خدایی و بینش الهی به موضوعات و مسائل بنگرند، و از جمله مردمی باشند منظم و با انضباط و حسابگر به طوریکه لحظه‌ای از نظم و انضباط و محاسبه دقیق غفلت نکنند، و از جمله مردمی باشند دارای آگاهی و توان کافی و متوجه موقعیتهای و ذاکر بسم الله اینها نمونه‌ای از اهداف عالی و بلندی است که از تعلیمات قرآن در موارد گوناگون بدست می‌آید و بدون تردید با دقت و تأمل عمیقانه در آیات قرآن مطالب و مفاهیم جدیدتری را به ما خواهد آموخت. کدام عمل از اعمال ارزشمند اسلام مانند حجّ بطور ملموس معنی و مفهوم حاکمیت الله و سیرالی الله و حلّ شدن منیتهای و نفسانیتها و پیکار و ستیز با ارجاس و انجاس و آلودگیها و پلیدیها و خودسازی‌ها و وارستگیها و وحدت و یکپارچگی و هماهنگی و همدلی و توجه بخدا و ذکر الله و خدمت و ایشار و نشان میدهد و در حقیقت حجّ مجموعه‌ای از احکام کلی و همگانی اسلام در این قالب میباشد.

حاشا و کلاّ که حجّ اینگونه نباشد و تنها همان ظواهر و برنامه‌های صوری و سطحی باشد و بهمین دلیل وقتی که قرآن مقداری از مناسک حجّ را تبیین میفرماید این مناسک را از شعایر الهی دانسته و تعظیم شعایر الهی را وظیفه بزرگ شمرده و تعظیم شعایر الهی را علامت و نشانه تقوای قلب و روشنائی معرفی نموده است.

بعد میفرماید بشارت پر مخبتین. کانه می‌خواهد بگوید از جمله اهدافی که از اعمال حجّ منظور است و مواظبت بآن اعمال آن هدف و تأمین کرده و انسان را بآن نایل میگرداند حالت بالا و الوالی روحی اخبات است که قرآن برای این حالت و صفت الهی حساب خاصی باز کرده و بتفصیل درباره آن و خصوصیات مخبتین بحث فرموده است: میفرماید ما برای هرملت و اقتسی شریعت و شیوه‌های مخصوصی مقرر کردیم تا با انجام آنها متذکر اسم خدا گردند و در یاد خدا باشند و در مقابل نعمتهای الهی که بآنان از گوشت حیوانات روزی دادیم و منتعم ساختیم سپاس نمایند پس بدانید که خدای شما خدای یگانه است و در مقابل فرمان او تسلیم گردیده و مطیع باشید و بآنان که بدرجه مخبتین رسیده و حالت اخبات پیدا کرده‌اند بشارت بدهید و خصوصیتی که این گروه (مخبتین) دارند

این است که وقتی که بیاد خدا میافتند دل‌هایشان هراسان شده و در مقابل مصائب و گرفتاریها صبور و متحمل بوده و اقامه نماز مینمایند و از آنچه که از امکانات و نعمتها در اختیارشان گذاشته ایم در راه خدا انفاق میکنند؟

و در حقیقت از این آیات بدست میآید که در صورتیکه انسان مواظب خودش باشد و اعمال حج را بنحو احسن انجام دهد و روح عبودیت و بندگی را در آنها مورد توجه قرار دهد و به ابعاد مختلف حج توجه بنماید علاوه بر جهات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که دارد و انسانها از این جهات از اعمال حج بهره‌مند میگردند دارای جهت دیگری نیز هست و آن جهت خودسازی است و انسان در سایه این اعمال خودش را میسازد و بدرجه‌ای از کمال و عرفان الهی میرسد و دارای مقام «اذا ذكر الله وجلت قلوبهم» میشود.

مضافاً بر همه مسائل و مطالب که گذشت از آیات دیگر قرآن بوضوح بدست میآید که کعبه بعنوان محور وحدت و یکپارچگی امت اسلامی منظور شده و با توجه به تغییر قبله و لزوم توجه همه مسلمانهای عالم بسوی یک نقطه و مرکز، آنها در هر روز و شب چندین بار و با آن خصوصیات و مراسم دقیقاً فهمیده میشود که مسئله پیش از آنکه جهت عبادی و فردی داشته باشد جهات سیاسی و موضوعگیری و اجتماعی دارد و تنها قبله بودن کعبه و توجه بدان شرط صحت نماز نیست ولو اینکه خود این جهت هم خیلی مهم و دارای ارزش است ولیکن اهداف دیگری در کار است و برای این است که جهت گیریها را مشخص نماید و رنگهای غیر الهی را باطل اعلام کند و به همه حرکتها و جهت گیریها رنگ خدائی بزند و اثر حرکتهای پراکنده و بی جهت جلوگیری بعمل آورد و شخص رسول اکرم (ص) بعنوان پیامبر و رهبر اسلام باید این حرکت را آغاز کند و این جهت گیری را در تمام اعمال و حرکتهاش مشخص سازد و امت هم در اعمال و حرکتهاشان باید از امام و رهبرشان تبعیت کنند و این مشخصه را داشته باشند.

اینکه آیاتی که بوضوح این مطالب را تعلیم میدهد! «سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل الله المشرق والمغرب يهدي من يشاء الى صراط مستقيم»^۳ انسانهایی که از رشد کافی برخوردار نیستند و آینده امور را نمیدانند و عواقب امور را خوب تحلیل نمی‌نمایند و جریانات و خطوط فکری و سیاسی جامعه را بطور دقیق نمیدانند تحت تاثیر القاءات و مساوس شیاطین قرار میگیرند،

برهبر امت اسلامی رسول اکرم (ص) با زبان اعتراض اینطور برخورد میکنند و میگویند چه عواملی باعث شد آنان از آن قبله ایکه داشتند و به بیت المقدس نماز میخواندند منصرف گشتند و رو بجهت دیگر و قبله دیگر برگردانند؟ وضعی که قبلاً جامعه داشت و کانه مسئله‌ای نبود و وحدت برقرار بود اینها آمدند با تغییر قبله در جامعه مشکل درست کردند این سخنان آنها است و بدون تردید این نوع سخنان را شیاطین از زبان افراد ساده القاء میکردند و اذهان مردم را مشوش میکردند خطاب الهی به پیامبر اکرم (ص) رسید و فرمود بآنان بگو خیال نکنید مسئله قبله و جهت خاص برای این است که برای خدای عالم جهت و وضع خاصی تعیین شود نه چنین نیست خدای عالم محیط به همه عالم وجود است و همه مشرق و مغرب از آن خداوند عالم است و کسانی که ظرقت و زمینه هدایت را دارند خداوند آنان را بصراط مستقیم هدایت مینماید. یعنی تعیین کعبه بعنوان قبله اسلام و مسلمین بتوسط نبی اکرم اسلام (ص) طبق وحی آسمانی از قبیل مسئله آفرینی و کار سیاسی کردن و غوغا آفرینی نمیشد بلکه از مصادیق بارز هدایت الهی و صراط مستقیم است و از این جهت است که امت اسلام بیک چنین نقطه مرکزی و محور حرکت نیاز دارند اگر غفلت کنند خسارتها جبران ناپذیری بجهان اسلام و مسلمین وارد خواهد شد و در حقیقت اسلام و رهبری آن طبق فرمان الهی در صدد تحقق بخشیدن امت واحد اسلامی است و نوع استخوان بندی احکام اسلام و مقررات آن هم همین را نشان میدهد و یکی از لوازم لاینفک این نوع ایده و هدف مقدس پیش بینی یک چنین مرکزی است و لذا مشاهده می‌فرمائید قرآن به دنباله مطرح تعیین قبله جدید برای امت اسلام اینطور دارد:

«وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا»^۱ و همچنین ما شما را امتی وسط و معتدل و عاری از گرایشهای افراطی و تفریطی و جامع خصوصیات مثبت هر دو قرار دادیم تا گواه بر اعمال مردم باشید و رسول و رهبر هم شاهد و گواه بر اعمال شما باشد. ملاحظه میکنید چطور زیبا حد وسط بودن امت اسلامی را به تغییر قبله و محور بودن کعبه ارتباط داده و بیان میدارد ما امت اسلام را از تمام جهات و از هر حیث مستقل و متکی بخود قرار دادیم و در خط میانه و عدل و وسط انداختیم تا ملت اسلام الگو و شاهد برانتهای دیگر باشد و رهبری آن الگو و شاهد بر امت اسلام و ضمناً ما از اول نخواستیم این قبله دوم را مطرح نماییم و ابتداء



رَهِيمَ وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلِي عَمَّا يَعْمَلُونَ»^۱ گردیدن روی تو را در آسمان می بینیم و درخواست ملتسمانه شما را می شنویم پس هر آینه قبله ای را برای شما که مایه رضایت و خوشنودی است معین خواهیم کرد پس از آن رویت را بسمت وجانب مسجد حرام برگردان و بمسلمین نیز دستور بده هر جای عالم باشند روزه جانب کعبه برگردانند و آنان که از اهل کتابند و با کتب آسمانی قبل از قرآن سروکار دارند میدانند که توحق هستی و قبله بودن مسجد الحرام و کعبه نیز حق است و خدای جهانیان از آنچه که آنان میکنند و انجام میدهند غافل و بی اطلاع نمیباشد.

از سیاق بوضوح بدست میاید که نبی اکرم اسلام (ص) در عین اینکه هیچگونه ناراضی و ناراحتی از وضع موجود و از قبله بودن بیت المقدس نبود ولیکن از ناحیه اهل کتاب مخصوصاً یهود مورد اذیت و آزار قرار میگرفت و آنها بمسلمانها تفاخر میکردند و سرزنششان میکردند و نوعی برای خودشان برتری و علوق قابل بودند و این حالت برای رهبری اسلام و رسول اکرم (ص) گران بود و قابل تحمل نبود و پیامبر اسلام (ص) غمگین شد و در انتظار وحی آسمان نشست و منتظر فرمان حق بود، اگر دستور میرسید در همان وضع سابق بماند و قبله بودن بیت المقدس تثبیت گردد حجت برای رسول خدا (ص) تمام میشد و از اول راضی بود و راضی تر هم میشد و وقتی که این آیات نازل شد و قبله جدید معرفی گردید و کعبه بعنوان قبله مسلمین شناخته شد حجت تمام گشت و ریشه های تفاخر و برتری طلبی و سرزنش یهودیان نیز پایان یافت و تکلیف رهبر اسلام و امت مسلمان هم روشن شد.

۱- سوره حج آیات ۲۳ الی ۳۰

۲- سوره حج آیات ۳۴ الی ۳۹

۳- سوره توبه آیه ۱۴۲

۴- سوره بقره آیه ۱۴۳

۵- سوره بقره آیه ۱۴۴

۶- تفسیر المیزان ج ۱ ص ۳۲۸-۳۲۷

۷- سوره بقره آیه ۱۴۵

ادامه دارد

اجازه دادیم در همان وضع سابق بمانید و روزه بیت المقدس بایستید و بعد از مدتی دستور تغییر آن را صادر کردیم برای این بود که در این میان افراد خوب شناخته گردند و کسانی که روح عبودیت و بندگی دارند از کسانی که متمردند و روح عصیان و تجری دارند شناسائی و در مقام عمل این دو جریان از هم تفکیک گردند تا معلوم گردد چه کسانی بنده خوبی هستند و چه کسانی عاصی و متمردند.

«وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مِنْ بَيْعِ الرِّسُولِ مَعْنٍ يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ»^۵ اینکه ما از ابتداء بیت المقدس را قبله شناختیم و اجازه دادیم مسلمانها عباداتشان را رو بآن طرف انجام دهند و این معنی را امضاء کردیم مانند تمام تشریحات و مقررات دیگر اسلام بخاطر مصالحی بوده که نتایج آن بخود مسلمین عاید میگردد و عمدتاً برای تربیت و تکامل انسان میباشد و برای آزمایش مؤمنان و تمیز انسانهای مطیع از عاصیان و متمردان میباشد و ما این قبله را امضاء نمودیم برای اینکه پیروان راستین مقام رهبری و رسالت در مقام عمل بواطن خودشان را نشان داده و چهره کریه مخالفان و معاندان بر ملاً گردد و اعمالی که قبلاً طبق قبله سابق انجام شده و هنوز ناسخی برای آن نیامده است چون از مصادیق اطاعت خداوند بوده است درست است و نیازی به تجدید نظر نمیباشد.^۶

و رسول اکرم اسلام (ص) در عین حالی که در انتظار عنایت الهی و نزول وحی و تعیین قبله مخصوص بود با این همه تسلیم محض فرمان الهی و وحی بوده و ذره ای نمیخواست و نمیتوانست از وحی و فرمان الهی سر پیچی نماید و لذا روزه بیت المقدس نیز توجیه میآورد و عباداتش را انجام میداد چون عبودیت معنائی غیر از این ندارد و انسان عبد در تمام لحظات منتظر فرمان مولایش حضرت حق است و تمام حرکات و سکناتش بسوی یک جهت متوجه است و آن خدا است و او اگر فرمان داد که مدتی باید بطرف بیت المقدس بایستی و متوجه این سمت باشی لبیک میگوید و اگر دستور داد رو بسمت دیگر و جهت دیگر بایست و متوجه باش باز لبیک گویان است و از مولایش میخواهد او سمت و جهت عبدش را معین نماید و هر چه صلاح اسلام و مسلمین است برای او پیش بیاورد.

قرآن این حالت را اینگونه ترسیم مینماید: «قَدْرَتِيْ تَقْلِبُ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَتُلَوِّنُكَ لِقِبْلَةٍ تُرِيدُهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُوْنَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ